



مكتبة الملك عبدالله بن عبدالعزيز الجامعية

مخطوطة

شرح القصيدة التائية

المؤلف

إسماعيل بن أحمد (الأنقروي)

۱۱۱

تاریخ الفارسی

الفارسی

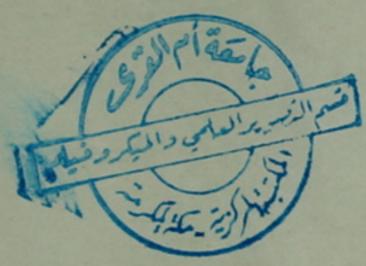
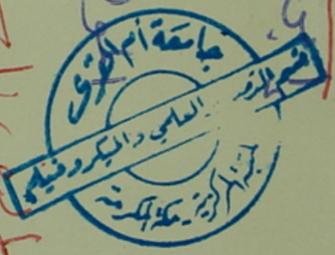
شرح الفصیحہ الفارسیہ، نسخہ محمد

شیراز، ۱۲۵۵ھ

تالیف: اسماعیل بن علی، ۱۷ ورقہ، ۱۲۶۱ھ

الانفردی، ات ۱۰۴۲ھ

د. ۱-۳



هذا الكتاب الشريف الشيخ القراخي بن مصطفي
ببجان

اهدا للمطالع من المتعلمين و
لمرضاة الله تعالى ودفعا صحتها موتها الى ان يرث الارث
ومن عليها وهو خير الوارثين وسرط التولية
والنظارة لتلميذه الحافظ محمود بن حسين
ثم لمن كان اهلا للتولية والنظارة
من علماء تلك المدينة بحيث لا يباع
ولا يوهب ولا يعطى بوجه
من الوجوه فمن يراد بعد
ما سمع فانما على الذين
يبدلون ان الله

سم
علم
١٢٤٤

عینیکه جمال با کمال کوزدکی و ذوق وصاله ایره لری لکن رهزن و هم بر ج
کلوب قلت بضاً و تمدد استقامت خوف و آس و بریب بو نامو لکه حصول مانع و موسو
وصولی دافع اولورده اما تقاضای درون و آرزوی دل مخوف نکر بر جانبدن
بو کونه او یام دونی اخراج و در بر روی ایدوب غلبه استیلاده شول خدمتقون
اولور دیکه بر کسبیل مصاحبه قدرت و نه بر شیکه الفت قعودک و نه بر دم آرام و
سکونه همت و بر روی استحکار جناب پروردگار متوجه اولوب استخاره قلد قده
سروش عالم غیب که رخساره مقالی غبار غیب رسیدن معر او مبراد و کوش هوش
بو کلامک مفهوم منسرت طر من القا ایلدیکه **بیت** این سستی تو هستی دست در گسست
دین هستی تو هستی دست در گسست **بیت** ز سر کبریا ن فکر در کش کین در آستین دست در گسست
پس بر خوال قلب المؤمن بین الاصبغین من اصابع الرحمن یقلبها کیف یشاء قبضه قدرت
حزین پروردگار عیانتاً و در دام جان فی فراغ بوجانبه منطف و بر مغزای مثل القلب
کرشیه فی ارض فلاة یقلبها الریاح **بیت** باد اراده الله فواد با کشاد من بو مراد
اوزره منصرف قلد **بیت** همچون که غطس از خامیاز این دمان کرد و بنا خواه تو باز
دست فی تادست جنبانی بدفع نطق فی تادم فی از ضر و نفع ضر و نفع ما هم از حق بود
حاکم حق بر فرق ما مطلق بود پس بر حسب حکم تقدیر الله علی ما یشاء قدر و معترف علی العجز
و التقصیر اظهار ما فی الضمیر شروع و تحریر مستطیر مباشرت و رجوع قلد و مطول
مکمل حذر و مخفی مخلص کند ایدوب بین الافراط و التفريط حال و سبط نظر ایدو
سلک تقریر و رشتن تحریر بوجوازه و اهرک تسبیط قلوب بعد مفاسد علمیه فی شرح
الثانیة و تکلیف قلد و قبل شرح الابیات بو طایفه علمیه تک اصطلحات و اشارتند
لازم اولاً اشاراتی مقتضایه ایلاد ایلدیم تا طالی و عاشقان فتم معقولاً و کشف موزات
بر وجه اسان سهیل و سیروله اما زینهار و زینهار کسب ادرین و عظام اهل فین که تقیاب اسرار
لرینه و کلام حقیقت مدار لرینه طعن و انکار قلد سید تا قناره و جابه هلاک بواره و زمین
مسئله چون خدا خواهد که برده کس زد میلش اول طعن یا کان برد نکتهها چو تیغ
یولادست تیز چون ندرک تو سپر و سپر کزین پیشما این الماس سب اسیر میب کز بریدن
تیغ را بنود حیا **القصد الاقوال** الوجود اعلم انک الله بالفهم الصریح و التشفیق القریح
تحقیقاً و وجود من حیث هو غیر الوجود الخیرتی و الذمینی زیر بواجب یکس انواع وجودی و وجود
پس وجود من حیث هو هو لا بشرط شیء یعنی اطلاق تفسیرم مقیده اولی سترین و جزوی

و نقل ع

و نقل و عام خاص صفتین بولق سترین و بوجه بحسب المراتب و المقامات لازم کلور
بش سبب مراتب کلی و جزئی و مطلق و مقیده و عام و خاص و واحد و کثیر دینور
بو سوال اوزره معتبر اولن مرتبه ذات بحت و مقام احدیت و حقیقه الحقایق
و کذات و غیب هویت و غیب الغیب و ابطن کل باطن و هویت مطلق دربر
پر بو مرتبه ان تعین اولد و غی جسدن صحیح کلد که وحدت و وجود و وجود
و مبتدین و صدور از ندرن و تعلق اگر نفس و اگر غیر بر حکم حکوم اوله نیز
بوجه مقتضای تعین و تقید در و بلانشک به تعینک تعقل مسبوق
ان لا تعیند و بو مرتبه باعتبار ان لا جمول مطلقه جو اساسی خیالات و او یام
بو مقام یکسر منکر دان اولمز و طایران عقول و افکار بو مرتبه دره سیران
و طایران قلد **بیت** بخمال در کجی تو خیال خود مر بخان ز جنت بود مبر مطلب
بهرج سویش مفتاح الغیب صدق تو ک حفر تاریک بیور که ذات مطلقه تک
مجمول مطلق اولی عدم معرفتد عبارتدر بسبب التجر و عین الظاهر
و المراتب و التبعیث از بر این هنده الجبیه بعین الله و بین التشی مناسبت
بو قدر بین جناب حق بو جبهتد مناسبت و بو جبهتد بر کس که معلول و لحن
بو خصوصه خوف و بیمک تحصیل حاصل و امر بلا طایل بر شئی باطلد لکن بو حقیقت
واحد و عین احدیت بشرط شی اعتبار اولنسه بعین بشرط جمیع الاسما و الصفات
معتبره بو تقدیر بو مرتبه الوهیت و مرتبه واحدیت در بر مرتبه احدیت
مرتبه واحدیت ذوق بود که مرتبه احدیتده اسما و صفاتد بر شئی اعتبار
اولنزه بلکه همان ذات بحد و مرتبه واحدیتده اسما و صفاتد مؤثرات اعتبار
اولنور و مرتبه اولده هر صفا کلیه و العلم و الاراده و القدره و امثالها
عین ذاتد زیر انده صفت و موصوف و اسم و منسبی بو قدر الاکه ذات
و مرتبه فائیده صفت و موصو اسما و منسبی معین اولوب حقایق الیه بعضی
بعضی سندن متمیز اولور اما کثرت ظهور وحدت ذاته خلل در بر از حقیقتده
وجود حق تغایر بر شئی آخر بو قدر که اندن متمیز اوله پس وحدت ذاتی کثرت
مقابل اولن وحدت کس کلد بلکه بو وحدتد که حکم هو الاول و الآخر و الظاهر
و الباطن عین اشیا و ضد و کثرتد هو الاول هو الآخر و الظاهر هو الباطن

اعلمد

تعین

کلماتی بنیادها و صفاتها در
تعین زاید ایلد کلد که
خلل و یریه ع

بجز با هو و یا من هو کسی دیگر نمی دانم پس بوضوح و احدیت مظهر اسماء ایصال فیض
ایله و کی اعتبار مرتبه ظهور در بیتی در این چنین بمرتبه صورت علیه تکلیف و توفیق
اعتبار اولی مرتبه اسم باطن و رب الاعیان الثابت اولی اسم علمیه و بقی
بشرط کلیات الاشیاء اعتبار اولی مرتبه اسم رحمن در که رب عقل اولی
که بو عقل اولی لوح قضا و ام الكتاب و قلم اعلی دیو تسمیه او نور و بقی بمرتبه
کلیات و جزویات مفضلاً من غیر اجتناب عن کلیات اعتبار اولی مرتبه
اسم رحیم در که رب النفس الکلیه در که بو نفس کله لوح قدر و لوح محفوظی و کتاب
مبین در در لر و بقی صور جزئیات تکلیف و تبدیلی بشرط اعتبار اولی مرتبه اسم
ماح و تمیت و تحسین و منبذ در که رب نفس منطبع در جسم کلیده که بو نفس منطبع لوح
تجو و اثبات در لر و بقی صور روحانیه و جسمانیه قابل اولی و وجود اعتبار
اولی مرتبه اسم قابل در که رب هیولی کلیه در که بو هیولی کلیه کتاب مسطور
و رقی منشور در لر و بقی ثانی و تاترا اولی و غیر حقیقت اعتبار اولی مرتبه
اسم فاعلی و موجد و خالق در که رب طبیعت کلیده و بقی صور محسوسه و مشهوره
بشرط اعتبار اولی مرتبه اسم ظاهر در که رب عالم الملك و الشهاده در پس مرتبه
انسان کامل بوجه مراتب مراتب الهیه و کونیه دن عبارت در انکون خلیفه کامله
زیرا مظهر اسم الله در اسم ذات شئی جمیع صفات در پس آن کامل
جمله مراتب حیاط اولی که حضرت حق من حیث الحقیقت و الذات جمله اشیا در تصور
و پدید تر در زیر انکذات و غیب هویت بر که تک معلوم و مشهور که اولی مرتبه
خبر و بر و لا یخطون به علما و با جمله بر نه که عقل و قیاس و حواس اولی مرتبه
ذات اندک منزه در وساحت معرفتی تردد او یام و تعرض افهام در متعالی و مقدر
اما من حیث تحقیق بالاسماء و الصفات اظهر من الشئ در و خفا بر شده ظاهر
و معرفت در شواهدی که حال ظهور در من طلب الیه بعد العیان فهو الخس ان عند
اهل العرفان المقصد الثاني فی الاسماء و الصفات اسم اولی مرتبه استمائی عنده العقل و الفهم
احضار و عند الخيال و الذهن از کار ایدر اگر مستحاضا و لیس و کرب غایب و عند
المشایخ الکنیه ناسده مذکور اولی اسماء طفوفه در کله بلکه اسم مستحاضی اولی
صفت معینه سید پس ذات که بر صفت تکلیف اسم تعبیر ایدر مثل الرحمن ذات
لها الرحمة در و تبار ذات لها القدر در پس بو اسماء طفوفه اسم اولی

اولی مرتبه

و اسماء الالهیه

و اسماء الالهیه اوج قسمی ذاتیه و صفاتی و افعالیه و بواجب قسماً یکی نوع اوزره در
بر نوع صفات نبوتیه و ایجابیه در بی در بر نوع سلبیه در بر صفت ایجابیه
و علم و اراده و قدره و بونامثال در و صفات سلبیه استوح و قدوس و غنی کبی
ایجابیه ایجابیه تکلیف بود که صفات ایجابیه حقه و خلقه مشترک و صفات
سلبیه اولی که همان حقه حقیق اولی فقط و اسماء ذاتیه مثلاً الله هو حق مالک قدوس
واحد و واحد و عزیز و کبیر و متعال علی و عظیم و ظاهر و باطن و اول و آخر و جلیل
و جمیل و مجید و غنی و نور و بونامثال و بعضی اسم وار در که باعتبار ظهور الذات
اسم ذات در لر و باعتبار ظهور الصفات اسم صفات در لر و باعتبار ظهور الافعال
اسم فعل در لر مثلاً اسم رب حق ثابت معناسی مراد اولی اسم ذات اولی و بقی
مالک معناسی مراد اولی اسم صفات اولی و بقی مبنی و معناسی مراد اولی
اسم فعل اولی اولی شول که کند و ذات و صفات و افعال تکلیف بولور اسم ذاتیه
و صفاتی و افعالیه ناید و کن فیه ایله و اسماء صفاتی ح و شکور و قهار و مقدر و
قادر و رحمن و رحیم و کریم و غفار و ودود و رؤوف و حلیم و صبور و رزاق و یاب و علیین
و بونامثال و اسماء افعالیه مبدئ و معید و خالق الباعث الحیج الواسع المانع
المعطي الخذل المعزة السارک المحیج الممیت التادیل الرشید و بونامثال ذر و اصول
صفات الهم و امتهات اسماء نامتناهی بیدر که انیه سبعم تعبیر اولی اولی اسم
بونور در ح و علیم و مرید و قادر و سمیع و بصیر و کلیم بعضی سبعم و بصیر و کلیم
قابل و جواد و منسط اسماء بر ایدر ایله در پس مطلوب حقیقی که کمال و جلال
و استجلاد بر بوی اسم اوزره موقوف و مرتبه زیر احیاء موجب وجود و حضور
و سبب علم و شعور در زیر احیاء اولی علم و اراده و قدره و غیر با ظهور بولور
و کند تک علم بر نور در که امور کلیه تک و حقایق تا کون و متبوعه تک و تعینات و جودیه
اسمیه تک تفصیل و تدبیر اکامنوط و مرید بوجه امور در
نه المرتبه و الظهور و قادر مراد اولی انسان اشیا علی ما هو علیه ظاهر و احداثه قدرتی و مقدر
و سمیع عبارت در کلام ذاتی سنوک حقیقتیه متعلق اولی علم و تکلیف سیدن اگر
ظاهراً و باطنی لا علی طریق الشهود و بصیر عبارت در حقایق و اعیان متعلق علم
حقدن علی طریق الشهود و کلام عبارت در علم غیبیه اولی اشیا که سرار فی
اظهار ایکن و جمله اسماء الهیه بود در اسم که کثرت داخله و اولی در اسم

تخصیص در
سات

وارضین علی مرتبه روح الامینی و مقام قاب تو سینی متجی و زا اولوب مقام
اودنی که مقام پدر و اصل اولده حضرت بنی جناب حقه تجیه و ثنا ایدوب
دیدیک التجات لقمه و الصلوات و الطیبات و حضرت جناب سعادتن دنی
بوعبارتلم الکا سلام وارد اولدیکر السلام علیک ایها النبی و رحمة الله وبرکاته
پس حضرت بنی ام سلام حقد لثاد و کلام محبوب مطلقه بالکشا و برادر
اولوب اول مدینه یا سایر صلی و مؤمنینه دنی موهبت بیوروب دیدیکر السلام
علینا و علی عباد الله الصالحین پس هر کیمده که انار صلاحیت اولدیکر انوار
سلام حضرت رسالت پناهدن حقه دار و بهره دار اولور و لکن حضرت
ناظمک جناب رسالت پناه مناسبت معنویه و قربت روحانیه سلی اولدوغنا
اوتورکی بیورر که بنی انور حضرت مفيض الجعدنا صلی الله علیه وسلم مقام اولدناه
بنم اوزریم سلام و بر دوی چین ده نم نسبت معنویه و وراثته روحانیه
اشارت وارد پس بوقومک اول حضرتلم مناسبت معنوی سلی اولدوغنا
حدیثه بونکره اخوانم دیوب و اشوقا الی لقاء اخوانی بیورر پس
شب مواجده علینای جمعی ایراد بیورر قلنده ارواح کلینک انده
اجتماعنا اشارت اولور و حضرت ناظم دنی سلام علیناده داخل اولور
و حضرت رسالت پناه مفيض الجعدنا اولور قور و من نوره و حال بوکه اول مفيض
الجمک نورندنیم مشکات ذاتم منور و مشرف اولدی بنم اوزریم فاذا کان کذا
پس بنم عشاء طبعیه و ظلماء بشریه بملک نورانی و پر ضیا اولدی ضحوة کبرکیم
کیم یعنی ظلمانی و کدورات نقاشیدن خلاص اولدم نور محمدی ذاتم منور
اولمقلقله **فأشهدنی کونی هناک کلنته** و شهادته ایای و النور بجوتی
العا بو بنده کونی دن مراد وجودی دیکدر **العا** کونی اشهدنی ده کی یادن بدلدرد
و کنته ده کی ضمیر متصل فعل ناقصک خبریدر و ضمیر منفصل مقامه قائمدر
ای کنت ایاه تقدیرنه **المع** پس بنی بن اول مقام جمعه حاضر قلدرد
وجودی کوردیم پس بن اول مفيض الجمک عینی اولدم که اول نور محمدی
زیرا مقام جمعه مقابرت و انینیت متصور دیکدر بلکه بر حقیقتدر که
جمله حقایق محیطه و شامل و جمله سنی انده محو و مضمحل در و بن اول مفيض
الجمعی بنم مشاهد قلدرد و حال بوکه اول نور محمدی بنم بجوتی ذاتم و مقابرت
و بها و ضیای وجود مدر و قتلکم مشرب جمع حضرت ناظم غالب و معنای
وحدت وجود شریفانه شامل اولدیمه مقام جمعه مناسب اولد احوال

شروع ایدوب بیورر که **فیع قدس الوادی و فید خلعت خلع نعل علی النادی**
وجدت بخلق و انست انواری و کنت لها امیرک و نایمک من نفس
علیها مفضیة **وانست اطوارى فنا جیتى بها و قضیت اوطارى**
و ذاتی کلیمه **العا** خلعت علیه تو یادیر لرای البسته و اعطینة و یکدر
و بو معنا علی ایله تعدیه ایلدوی زمانده اولور فن خلعت ثوبه و یا خود
خلعت عن ثوبه و سیر نزعت معناسی و سیر یورنادی محفل و مجلسه در بر
انست بمعنی ابروت استسبی ای احکم بنیانته تاسیس دندر اطوار جمع طوردر
مراد مقامات مناجات و مراتب سلو کدر که توبه و فقر و تجرد و بتل و محاسبه
و بونکره مثالی نایمک ای بحسبک اوطار جمع و طر و طر حاجت در لرای **الاعراب**
نادی ده مضافی مقدر لرای اهل النادی دیکدر لهاده ضمیر انواره راجع بده
یعنی عا دیر فیه ده با سببیه در المعنی و قتلکم بن عین مفيض الجمع اولدمسه
پس بنم نور ذاتم سبیل وادی قرب الی و فضای عالم ملکوت و جبروت نامتسای
مقدس و مطهر اولدی و اول و ایدیه بن خلعت و بر دم و الباس قلدرد اهل
نادی محبت و محفل قربت و معرفت و بونکره فانی اولمن و وجودم نعلن خلع
اعمالکله وجود و سخا قلدرد بونکره وجود یا قیم خلقه بعد خلق نعل وجودی القانیه
و بن ابصار ایلدم و مشاهده قلدرد انوار نفسی و اول انوار نفسیه بن هادی
اولدم و سکا کفایت ایدر بر نفسک شرفن بلکه کند و اوزرینه مفضیه در
کند و کندویه مفيضه و هادی در و بو بیته بر معنادنی بودر که انوار دن
مراد ارواح مقربین اوله و علیها ضمیر انواره راجع اولد پس معنا بویل
دیکر اولور که بن مقام جمعه منسوب ارواح مجوده و انوار مقدسیمی کوردیم
و مشاهده قلدرد پس بن اول ارواح مجوده نک هادی و رهناسی اولدم و سکا
کفایت ایلر شول نفسدن حاصل اولان کمال بلکه که ارواح مجوده اوزره مفضیه
و مفيض اوله و دنی بن حکم و مؤسس قلدرد بقیان اطوار می و سلو کده اولمن
توبه و تجرد و فقر و انابت و مراقبه و توکل و بونکره مثالی اولمن مقامانکدر
اساسی پس بن مناجات ایلدم بنم ذاتم اول طور کرده و بن قضا قلدرد حاجت
و مقتضات ذاتی حال بوکه بنم ذاتم ایدر کلیم بندن غیر و کلدی خلاصه کلام
متفرقات اکوانی جمیعاً بک الوحدت ذاتمه مشاهد قلدرد دیکر اولور
قیدری کم ناقص و شمسی لم تجب و بی کنتی کل الدار الی المفضیة
و انجم افلاک جوت عن تصرف کلک و املاک کلک خیرت **العا** دراری

دری که جمیع کواکب و زری بر پلزد که بغایت براق و لعانندانی دره
منسوب اندر کبر المکره بضم المیم و بالکسر قدرت و تصرف است و عند البعض
فرق بضم المیم اولیة ذوی العقول و غیره تصرف مطلقا عبارتند
و بالکسر عقلا که غیره تصرف است که مخصوصا ملاک ملک جمیع درخت
خوردن مشتق از معنی سجدت و سقطت **الاعجاز** بقدریده فاجوابیدر
شرط محذوف که بلی که با معنی فی در **المعنی** و قنایم وادی عالم جبروت و بیگوت
بنام ایل مقدس و ارواح مقربین بنم خلقه متکب و اطوار سلوک بخدمت حکم و موس
اولیة پس بنم بدم معنی عقل و قلب که بدر مشابه سنده در هر کس از اولیة
و روح که شمس و قمر است که در اشیا و حیات بخش جمیع ماسوا در این غایب
در ایل اولیة و بنم نورم سبیل مهندی اولیة و کواکب و زری و مضمون مراد
با ظاهر ده اولیة کواکب در اری او لست و یا خود ارواح فومنان و عقول در اندن
استاره اولیة بنم نورم واسطه سبیل کواکب مضمون بی ارواح فومنان ابتدا ایدر
دیگر اولیة و بنم فلک یک نجوم و کواکب مکره اولیة تصرفند جاریه و سایر در
و بنم ملکوم سجده ایلدیل کبانم سلطنت و تصرف ایوان و یا خود بنم کمال سلطنت
و تصرف اولیة و بنم انزلیا نسبت مرتبه لرندن ساقط اولیة و دیگر اولیة
و فی عالم الشدکار للنفوس **علمها** المقدم استهدیم معنی فیتی **الاعجاز** تذکار مصدر در
معنی الذکر لکن بونده مبالغه وار در و عالم تذکار درن مراد عناصر درن مرتب
اولیة عالم شهادت در زیر نفس بو عالمه ذکر ایستی در سابقه اوزر بنم
جاری اولیة شیلو للنفوس متعلق در تذکاره علمها مبتدا استهدیم خبر بیدر
فتیه فاعلی در استهدیم **المعنی** معنی نفس عالم از لده عالم ایدری
هر تذکار علوم و سرار درن انده حاصل اولیة پس ای الابد اگر چه بو عالم ترکیب
و صورتها اشتغال سبیل اندن من وجه غافل و زراصل اولیة پس
هر بار که غواشی بدندن بخت و ایلیه اول علم مقدمی ذکر ایله و بونفس ایوان
اولیة ذکر عالمه که عالم انسانی در نفسک عالم از لده مقدم اولیة علمنی
بدننا بدیهه طلب ایدر لوا صحاب یقین دن و ارباب دین مبس دن
اولیة فتیه لر نده بونله اهدا و اتخاف ایدرم اول علمنی بحسب قابلیتهم
و استعداداتهم **مخ** علی جمعی القدم الذی به و جدت که اول الیة اطفال
صیبة **الاعجاز** حتی علی ایله و ملا ایله با اولیة و اسم واحد مکره اولیة
و حش و استعجال مکره علی طریق الامر استعمال اولیة و جمع قدیم مراد

مرتبه جمع

مرتبه جمع احد بقدر که قول ما بین الشب و الشیخوخة من العمر یعنی او رتة بشلو و موسی
کسبه در بر بورده مراد عارفان بین اهل البدایة و النهایة مقصود است و اولیة کسبه
و مبلغ تکلیف و اصل اولیة سرور در حقی ثانی دن مراد قبیل در بورده ارباب اولیة
و کرامات دن کتابه در من البدایة الی النهایة **الاعجاز** که اولیة و اطفال مقصود یعنی در
وجدت تک **المعنی** ایها الطالبون و العاشقون مسارع و مستحی ان فلک و بنم سایر
مقامات اوزره قدیم اولیة مرتبه جمیع کواکب ایله مرتبه جمع که انده شیوخه قبیل اولیة
و عارفان بجمیع کرامت تحت تربیده اولیة مریدان و مصاحبانم صغیر لکن اطفال
شیر خوار ای بولام شول حیثیتده که اگر متقدمین و اگر متاخرین بنم رستانا
مقام جمعدن ایسان علوم لدنیة بی نوش قلوب غوم و هموم و نیو و اخو و بی
فراوشن فلک در **و** من وصل ما استارت شرب معاصری **و** من کان قلبی
فا لفضائل فضیلة **الاعجاز** فضیلة حاجندن زیاده اولیة شیهه در بر استارت
نفس متکلم در سوردن مشتق سوردن بر کسه تک ناکول و مشرو و بنو ارباب توب قانن
بقیة در بر **و** من ما استارت ما بقیت تقدیرنه اولیة او نور شرب بکسر
الشین شربدن خط و نصیب معینه در بر **الاعجاز** شرب معاصری مؤخر مبتدا
و من فضل مقدم خبر در و من کان معطوف در معاصری اوزره **المعنی** و بنم
معاصرم و در زمانه بدنا صکره کلن اولیة و اصفا نونک حفظ و نصیله بی بنم
بقیة طرد و غم علوم و معارف فضلند در و بدندن اول اولیة انبیا و اولیة
خط و نصیله کاد بنم کاسه مرتبه جمعه بقیة خود و غم علوم و عارفان در زیر
جمیع علوم و جمله مقامات و مواظنده اولیة فضائل و خصایل و شمایل
و جلالیل بنم فضل سوزم و بقیة نور مدرو و بوبیتل مرتبه جمعدن و مقام حقیقت
مجدت دن ترجمه و حکایه در زیر حضرت ناقم مقام کندوی وارث کامل و اکابان
و واصل ادعای فلک در **و** پس هر کیم که مرتبه غوثیته و اصل اولیة مقام تجدیه بی
کالیله وارث اولیة بو کلام انوک ساندن جاری اولیة اکا لایق اولیة
زیر حقیقتده بوقوت و سلطنت و عظمت و دولت اولیة صاحب سعادت
و سلطانا ارباب نبوت حقرت بیکدر اگر چه بی الظاهر سان خلیفه
کاملون جاری در و اولیة کمال متابعت سبیل بر مرتبه نور مجده منصب اولیة
کند و طبیعت اصلیه لر ای اندن زایل اولیة و نور مجدانه غایب اولیة اسرار
و علوم و قوت و تصرف احمدی انلده ظهور ایدر **و** پس انله اتباع همان الله
و حضرت رسالت پناه هم اتباع در نتم که حضرت مولانا بوجیه مناسب بوردن

مشهوری چونکه کل بگذشت و شد کشتن خراب بوی کل را از که یا بیم از کل
 چونکه شد از پیش دیده وصل یار نایبی باید از میان با دکار
 فی غلظ کفتم که نایب با منوب کرد و بنداری فتح آید نه خوب
 فی دو باشد تا تو ی صورت پرست پیش او یک کشت بز صورت پرست
 چون بصورت بنکری چشم تو دوست تو بنورش در لک ز چشم پرست
 ده چراغ ارجا خضاری در مکان هر یکی باشد بصورت غیر آن
 فرق نتوان کرد نور مسریکی چون بنورش روی آری بی شکلی
 در معانی قسمت و اعداد نیست در معانی تجزیه و افراد نیست
 پس هر فتی اولیا نوک میخانه وجودند بر سبب الهی شراب و حدیقی نوش
 و هر فتی اصفیادنا خرقه کرامت بردوش قلعه الحقیقه ساقی اول حضرت
 سیالار کائنات و اشرف موجودات در علمه افضل القلوات و اکمل
 النجات و علی آل و اولاده و اصحابه الذین نالوا بمشایرة الاله درجات
 العالیات و المقامات السامیات من الالیات و الکرامات
 المحدثه فی کل یوم و اوقات و آن وساعات که بو کتاب بلاغت بنیاد
 و معرفت عنوان بنیاد الملک المقتان تاریخ خمس و عشرین و الفقه او اخ
 شمار شعبانده غایت و پایانه ایردی و دار السلطنه قسطنطنیه ده
 خارج غلطه زلایه اسکندریه شده نهایت و اختتام بولدی پس
 اخوان صفا و ارباب وفادان متوقع و موجود که بو کتاب دیده عیب پس
 نظر قلعه و خاطر معارف انصاف کردند از تکلیف انصاف انصاف
 صافه قلعه عیب دیده انصاف جوینا بود از زرد که چه که مینا بود
 آن نظر سوزی است نیست عیب بخورده که نظر نیست
 فیین الرضا عن کل عیب کلیمه و لکن بعین السخیف بدک المساریا
 المحدثه اولاً و آخراً و القسوة علی نبیه محمد
 دائماً و باقیها و علی آل و اولاده
 بالتمام ما یلغایت هذا الكتاب و او اخ
 ماه رجب سنه و اربعین و الف عنید
 العبد الفقیر المذنب محمد المولوی
 غفر الله له و لوالدیه و احسن
 الیها و الیه

محمد